

ترجمه‌های استاد شهیدی

دکتر احمد خاتمی
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

ترجمه متون عربی به فارسی از دیرباز در میان ایرانیان رواج داشته و همواره تعامل علمی در بین مسلمانان ایرانی و عرب از طریق تألیف به زبان عربی یا ترجمه از زبان عربی وجود داشته است و تا دوره معاصر همچنان وجود دارد. از میان آثار عربی، توجه به متون ادبی اصیل، به ویژه متون دینی، اعم از قرآن، نهج البلاغه، کتب حدیث و ادعیه، و ترجمه آنها به زبان فارسی، پیشینه‌ای چند صدساله را به خود اختصاص داده است. کتاب شریف نهج البلاغه نیز از جمله متونی است که مکرر توسط علما و ادبای ایرانی به زبان فارسی بازگردانده شده است. از جمله مترجمان نهج البلاغه، استاد فقید، دکتر سیدجعفر شهیدی است که ترجمه او به جهاتی برجستگی‌های خاص دارد. این مقاله کوتاه در صدد است تا با مروری بر ترجمه‌های دکتر شهیدی، به بعضی از ویژگی‌های ترجمه نهج البلاغه او اشاره کند.

کلید واژه‌ها:

نهج البلاغه، ترجمه، سبک‌شناسی، شهیدی.

از سرآمدان استادان برجسته دانشگاه در دهه‌های اخیر، مرحوم استاد علامه، دکتر سید جعفر شهیدی است که همه عمر خویش بر سر تحصیل و تدریس و تحقیق نهاد و آثاری ارزشمند برای نسل‌های بعد به یادگار گذاشت. آثار استاد به لحاظ گستردگی اطلاعات او در زمینه‌های معارف اسلامی و احاطه‌ای که به علوم دینی، به‌ویژه قرآن و حدیث، داشتند و نیز به سبب تسلط بی‌نظیر او بر متون ادبی عربی و فارسی، گونه‌گون و متنوع است. بخشی از آثار علمی ایشان مربوط به تحقیق در مسائل دینی و معارف اسلامی، به‌ویژه تاریخ اسلام و تحقیق در زندگی امامان معصوم (ع) است؛ بخشی دیگر مربوط به پژوهش‌های ادبی، به‌ویژه تصحیح و تحشیه متون ادبی کلاسیک، مانند *دره نادره میرزاهدی خان استرآبادی* است و بخش دیگر از فعالیت‌های علمی استاد، ترجمه آثار برجسته عربی به فارسی است که معمولاً حواشی و تعلیقات محققانه استاد را نیز به همراه دارد و هریک با انگیزه‌های علمی و به جهت پاسخ‌گویی به نیازی اجتماعی و دینی انجام گرفته است.

آواره بیابان ریزه، یا ابوذر غفاری نخستین انقلابی اسلام، که نخستین بار حدود سال ۱۳۳۰ به چاپ رسیده، در حقیقت بازتابی است از موج ابوذرشناسی در بغداد و قاهره و دمشق و بیروت. این موج که ناشی از حرکت جوانان مسلمان در مقابل تبلیغات کمونیسم بود، می‌کوشید تا با معرفی ابوذر به عنوان فردی انقلابی و سوسیالیست، حرفی برای گفتن داشته باشد. به قول استاد در مقدمه‌ای که بر چاپ دوم این کتاب نگاشته‌اند: «در این بازار داغ، برای جلب رضایت مشتری چه کالایی از ابوذر بهتر می‌توان پیدا کرد؟ به فاصله دو سال، چند کتاب در کتاب‌فروشی‌های بغداد، قاهره، دمشق و بیروت عرضه شد: *سوسیالیسم اسلام، ابوذر سوسیالیست، اشتراکی زاهد، ابوذر انقلابی...*؛ و باز به قول ایشان «کم مانده بود کتابی هم به نام ابوذر مؤسس مکتب کمونیسم، زینت‌بخش مطبوعات شود! ...» (شهیدی ۱۳۶۰: ۳). بازتاب کتاب *سوسیالیسم اسلام* و موضع‌گیری شیوخ و علمای الازهر و اعلام صریح ایشان که: «تردید نیست که ابوذر در رأی خود خطا کرده! و پس از این که معلوم شد نظریه او بر خلاف واقع بوده، با مبادی اسلام و قرآن و حدیث تطبیق نمی‌کند، نباید از آن پیروی کرد» (همان: ۱۰)، استاد شهیدی را بر آن داشت که به ترجمه کتاب *اسلام و سوسیالیسم*، که در آن روزگار جنجالی به پا کرده بود، اقدام نماید. انتشار ترجمه و حواشی عالمانه‌ای استاد که بر آن نگاشتند، توانست چهره ابوذر را آن‌گونه که هست، نشان دهد و صدای حق‌طلبانه او را در اعتراض به حاکم و حکومت وقت به گوش نسل امروز برساند.

استاد علاوه بر توضیحاتی که در حواشی کتاب آورده‌اند، در مقدمه چاپ نخست به نقد و ارزیابی و تحلیل موضع‌گیری شیخ الازهر و دانشگاه الازهر پرداخته (همان: ۹-۱۳) و در مقدمه چاپ دوم، تحلیلی از مالکیت اسلامی و ماجرای درگیری ابوذر و عثمان بر سر مال‌های زیادی، ارائه کرده‌اند (همان: ۵-۹) که حاوی نکاتی مهم و روشنگرانه است.

از آثار دیگر استاد در این حوزه، ترجمه کتاب *بطلة کربلا*، اثر خانم دکتر بنت‌الشاطی است که با عنوان *شیرزن کربلا، یازینب دختر علی (ع)* در سال ۱۳۳۲ منتشر شده است. این کتاب که به تجزیه و تحلیل زندگانی حضرت زینب (س) پرداخته و مقبول طبع سخت‌پسند مترجم دانشمند آن قرار گرفته نیز از انتقادهای ایشان در امان نمانده است:

«اگر از درجه معتقدات شیعی بنگریم، شاید این قالب از تمام جهت برانزده زینب (ع) نیست؛ همچنان که از نظر تاریخی نیز مطالب کتاب خالی از نقاط ضعف نمی‌باشد» (الشاطی ۱۳۳۲: ۲)؛ و با این نظر، هرچا که لازم بوده، به اصلاح نظر نویسنده کتاب پرداخته است؛ مثلاً آنجا که نویسنده

می‌نویسد: «زینب بود که در شب دهم محرم عزایی سالیانه تأسیس کرد که در آن شب نواده‌های توأین نزد قبر حسین رفته، صورت آن ماتم را تجدید می‌کنند و سخت‌ترین عذاب را بر تن خود هموار می‌دارند تا کیفر بزه اجداد ایشان باشد» (الشاطی ۱۳۳۲: ۱۲۵)، استاد در حاشیه توضیح می‌دهند که: «مصیبت‌خوانی و تعزیه‌داری را به هر صورت که تصور کنیم، نه توأین به وجود آورده‌اند و نه نواده‌های آنها و نه بدیشان اختصاص دارد؛ بلکه در این ایام عموم شیعه‌مذهب‌ها از هر نژاد که باشند، به صورتی بدین کار قیام می‌کنند و آنچه در نظر آنان نیست، کفاره گناهان توأین می‌باشد» (همان). ترجمه جلد اول *الفتنه الکبری* دکتر طه حسین، کار دیگر استاد است که با عنوان *انقلاب بزرگ* در سال ۱۳۳۶ به چاپ رسیده است.^۱ این کتاب که بیشتر به نقل و نقد حوادث تاریخی، سیاسی و اجتماعی دوره زمامداری عثمان می‌پردازد، به جهت روش، مورد توجه استاد شهیدی بوده است: «در این کتاب مسائل دینی و تاریخی با متد علمی امروز بررسی می‌شود و به عبارت دیگر، در مباحث این کتاب جنبه درایت بر روایت مقدم است. در این کتاب بحث نمی‌کند که راوی این حدیث مردی راست‌گوست یا دروغ‌گو؛ بلکه می‌خواهد بداند خبری که این مرد روایت می‌کند، وجود آن در چنان شرایطی ممکن بوده است یا نه» (حسین، ۱۳۳۶: ط) و این در واقع همان روشی است که استاد در تحقیقات و تألیفات تاریخی خود مد نظر داشته‌اند.

به هر حال، ترجمه کتاب مذکور^۱ - البته بدون حواشی و تعلیقات - به انگیزه روشن نمودن پاره‌ای از تاریخ صدر اسلام انجام یافته است؛ هر چند که دکتر شهیدی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته‌اند، موضع‌گیری طه حسین را در قبال عثمان به شدت نقد و توجیحات آن را با دلایل قوی رد کرده‌اند؛ برای نمونه، آنجا که طه حسین می‌نویسد: «ما نمی‌توانیم خود را به تنبلی و لاقیدی بزینم و نمی‌توانیم مردم را تا حدی که درخور آن نیستند، بستاییم و برای اصحاب پیغمبر مقامی قابل شویم که خود برای آن قابل نبودند. آنها نیز خود را مانند مردم دیگر می‌دانستند که دست‌خوش خطاها و گناهانند؛ آنها آماج تهمت‌های بزرگ گشتند و دسته‌ای را به کفر و فسق منسوب کردند. می‌گویند عمار بن یاسر، عثمان را کافر می‌شمرد و خون او را مباح می‌دانست ... می‌گویند عبدالله بن مسعود تا در کوفه بود، خون عثمان را حلال می‌شمرد...» (حسین ۱۳۳۶: ۱۸۳)، استاد شهیدی به نقد می‌پردازد و می‌نویسد: «... از این صراحت لهجه و حقیقت‌گویی استاد خشنود می‌شویم؛ ولی در سراسر این کتاب هر جا با انحراف و حق‌شکنی و اسراف و تبذیر و بذل و بخشش‌های بی‌موقع عثمان برمی‌خوریم، می‌بینیم که استاد به دفاع برخاسته و ... پیوسته می‌گوید عثمان در این کار مجتهد بود و در آن کار برطبق اجتهاد رفتار کرد. راستی اگر دایره اجتهاد تا این اندازه وسعت دارد، پس در دنیا هیچ پیشوای ستم‌کار عدالت‌برانندازی نیامده؛ همه مجتهد بوده‌اند و نه تنها گناهی نکرده‌اند، بلکه در آخرت هم مزدی به عنوان ناز شصت به آنها داده می‌شود؛ منتها به تعبیر استاد طه حسین مزد آنها نصفه است! ...» (همان: و).

با این حال، استاد شهیدی معتقد است که شرایط محیطی و مسائل سیاسی و اجتماعی در ذکر آراء و اندیشه‌های این نویسنده بزرگ مصری مؤثر بوده و او هم «ناچار است به مقتضای ادا کنت

۱. جلد دیگر کتاب *دوجلدی الفتنه الکبری* با ترجمه مرحوم احمد آرام و با عنوان *علمی و دوفرزند بزرگوار او* پیش از ترجمه جلد نخست، منتشر شده است.

في بلدة فعاشر بآداب سگانهها از حدود و مرزهای محیط تجاوز نکند و بنابراین نباید انتظار داشت که در مسائل خلافي، مانند خلافت و آنچه بدان وابسته است، طرز تفکر او مانند شیعه‌مذهبان باشد (همان: ط).

ویژگی‌های عمومی ترجمه‌های تاریخی

- متناسب بودن متن اصلی با نیازهای دینی و اجتماعی.
- توجه دادن خواننده به نقاط ضعف و قوت اثر در مقدمه.
- رعایت امانت در همه موارد.
- در صورت لزوم، افزودن حواشی برای توضیح بیشتر یا نشان دادن ناراستی مطلب در متن.

ترجمه نهج البلاغه

از نهج البلاغه تاکنون نزدیک به چهارصد شرح و ترجمه منتشر شده است. شروع نهج البلاغه بیشتر به زبان عربی است و معروف‌ترین و قدیمی‌ترین آنها، شرح قطب راوندی، دانشمند و فقیه شیعی (م. ۵۷۳ هـ. ق) و شرح کمال‌الدین ابن میثم بحرانی، دانشمند دیگر شیعی (م. ۶۷۹ هـ. ق) و نیز شرح ابن ابی‌الحدید معتزلی (م. ۶۵۵ یا ۶۵۶ هـ. ق) است که از دو شرح پیشین جامع‌تر است.

سابقه شرح و ترجمه نهج البلاغه به زبان فارسی، ظاهراً به قرن پنجم و ششم هجری می‌رسد؛ اما آنچه قطعی و در دست است، شرح و ترجمه جلال‌الدین حسین شرف‌الدین اردبیلی، معاصر شاه اسماعیل صفوی (جلوس ۹۰۷ هـ. ق / م. ۹۳۰ هـ. ق) است. پس از آن باید از شرح و ترجمه ملا فتح‌الله کاشانی (م. ۹۸۸ هـ. ق) با نام *تنبيه العاقلین* یاد کرد (خاتمی ۱۳۸۰: ۱۴).

در دوره معاصر، ترجمه و شرح نهج البلاغه مرحوم فیض الاسلام، رونقی بسزای این کتاب شریف در بین فارسی‌زبانان داد و کتاب *سخنان علی* (ع) به قلم مرحوم جواد فاضل که ترجمه‌ای آزاد از نهج البلاغه است، سبب افزایش علاقه‌مندی جوانان به این کتاب ارزش‌مند شد. شروع مفصلی هم در دوره معاصر درباره نهج البلاغه نوشته شده که از آن جمله است: شرح نهج البلاغه علامه شیخ محمدتقی شوشتری با نام *بهبج الصباغة في شرح نهج البلاغة* به زبان عربی و دیگر شرح علامه محمدتقی جعفری به زبان فارسی. همچنین ترجمه‌ها و شرح دیگری از سوی محققان ایرانی منتشر شده است که از آنهاست: ترجمه گویا و شرح *فشرده‌ای بر نهج البلاغه*، به قلم محمدجعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، ترجمه دکتر اسدالله مشیری، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ترجمه محمد دشتی، ترجمه سیدجمال‌الدین دین‌پرور و ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی که باید آن را برترین و ماندگارترین اثر ادبی استاد شهیدی و به جهاتی بهترین و دقیق‌ترین ترجمه فارسی نهج البلاغه دانست.

احاطه کم‌نظیر استاد به زبان و ادبیات عربی و تسلط فراوان او به حوزه معارف اسلامی، به همراه ذوق ادبی و مهارت و استادی او در نگارش فارسی، زمینه‌ای فراهم آورد تا او بتواند از پس ترجمه این کتاب عظیم، که به قول علامه بحر العلوم «فروتر از کلام خالق و برتر از سخن مخلوق است» برآید؛ از پس مجموعه‌ای که جمله جمله‌اش مصداق تمام، بل اتم بلاغت است؛ کتابی که به قول جاحظ (م ۲۵۵ هـ. ق) اگر از سخن علی جز کلام «قیمة کل امری ما یحسنبه» (حکمت ۸۱) را نداشتیم، آن را شافی، کافی و بی‌نیازکننده می‌یافتیم، بلکه افزون از کفایت و منتهی به غایت

ترجمه‌های استاد
شهیدی

می دیدیم (شهدی: ۹).

استاد در مقدمه ترجمه نهج البلاغه می نویسد: «از سال‌ها پیش چون فرصتی دست می‌داد، برخی از ترجمه‌های فارسی نهج البلاغه را با متن مقابله می‌کردم. ضمن این بررسی، دیدم مترجمان - که خدمتشان در پیشگاه مولای متقیان علیه‌السلام پذیرفته باد - هرچند در کار خود موفق بوده‌اند، کم و بیش در این ترجمه یک نکته را چنان که باید، رعایت نکرده‌اند و آن این است که سخنان مولی، چنان که می‌بینیم، در عین علو معنی، به زیورهای لفظی آراسته است: استعاره، تشبیه، جناس، موازنه، سجع و مراعات‌النظیر؛ به‌خصوص صنعت سجع که در سراسر کتاب دیده می‌شود و امیرمؤمنان (ع) به سجع گویی شناخته بوده است...» (همان: ۵). ... کوشش مترجم بر این بوده است که تا حد ممکن صناعت لفظی را نیز در ترجمه رعایت کند، اما بر این دقیقه آگاه بوده است که نباید معنی فدای آرایش لفظ گردد. بدین‌رو در حد توانایی کوشیده است هر دو جنبه رعایت شود...» (همان: ۱). و به راستی که استاد، استادانه از عهده این کار برآمده است.

بررسی شیوه و روش استاد در ترجمه، حکایت از آن دارد که این ترجمه با سبکی خاص و منحصر به فرد، با دیگر ترجمه‌های نهج البلاغه - که هر یک در جای خود ارزشمند و قابل استفاده‌اند، - تفاوت‌هایی دارد. بعضی از ویژگی‌های این ترجمه عبارتند از:

به کارگیری مناسب‌ترین و گویاترین معادل‌های فارسی

نمونه‌هایی از برابر نهادهای فارسی در ترجمه:

ارتاب: بدگمان شد (ص ۳۶).

اعلی: برتر (ص ۴۳).

أنهض: برانگیزانم (ص ۴۱).

ثکلان موجع: گریان و دل‌شکسته (ص ۳۳).

حصدوا: درویدند (ص ۹).

دارالبلیه: خانه رنج (ص ۵).

دفائن العقول: گنجینه‌های خرد (ص ۶).

الریح العاصفة: بادی سخت وزنده (ص ۳).

الزعزعة القاصفة: پایداری درهم شکننده (ص ۳).

زرعوا: کشتند (ص ۹).

ساکت مکعوم: خاموش و دهان‌بسته (ص ۳۳).

سَدَلت: درچیدم (ص ۱۰).

الطریق الوسطی: راه میانگین (ص ۱۸).

طَفِقْتُ: بیندیشدم (ص ۱۰).

العالم المجرب: دانای کاردان (ص ۳۶).

علو: برتری (ص ۴۳).

الکتاب المسطور: قرآنی نبشته (ص ۸).

لا تزل: جای خویش بدار (ص ۱۵).

- لا تَسْئَلُوا: پرسید (ص ۴۱).
 لا تَطْلُبُوا: نخواهید (ص ۴۱).
 لا ح: بدرخشید (ص ۴۲).
 الماء الزَّخار: آب خروشنده (ص ۳).
 النصبحة: خیرخواهی (ص ۳۵).
 واصف: ستاینده (ص ۴۱).
 و صدها نمونه دیگر...

فراوانی واژگان فارسی

بر اساس گزارش پژوهشی که درباره ترجمه‌های نهج البلاغه انجام شده است، ترجمه استاد شهیدی بیشترین بهره را از واژگان فارسی دارد. توانایی استاد در ادبیات فارسی و احاطه ایشان بر متون ادبی، این امکان را برای او فراهم آورد تا بتواند برابر غالب کلمات نهج البلاغه، واژه‌ای فارسی قرار دهد. گویی سعی ایشان بر این بوده است تا آنجا که می‌تواند، در ترجمه عبارات نهج البلاغه از کلمات عربی استفاده نکند. برای نمونه، در ترجمه کلام ۴۵۴ حضرت، استخدام واژگان فارسی شگفت آور است:

ما لابن آدم والْفخر = پسر آدم را با ناز چه کار؟
 أوله نطفه = آغازش نطفه بوده است.

وأخیره جیفه = و پایانش مردار.

لا یزق نفسه = نه روزی خود دادن تواند.

ولا یدفع حفته = و نه تواند مرگش را باز دارد! (ص ۴۴۱)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در عبارات ترجمه که بالغ بر بیست کلمه است، تنها «نطفه» غیرفارسی است. نمونه دیگر از ترجمه کلمات قصار:

زهدک فی راغب فیک نقصان حظه = دوری از کسی که تو را خواهان است، در بهره‌ای - که تو را از اوست - نقصان است.

ورغبنتک فی زاهد فیک ذل نفس = و گرایش بدان که تو را نخواهد، خوار ساختن گوهر جان است (ص ۴۴۱).

و در ترجمه:

«مَنْ أَبْطَأَ بِه عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِه نَسَبُهُ [و فی روایةٍ أُخری:] مَنْ فَاتَهُ حَسَبٌ نَفْسِهِ لَمْ يَنْقَعَهُ حَسَبُ آبَائِهِ».

می‌نویسد:

«[و فرمود:] آن که کرده‌ی به جایی‌اش نرساند، نسب او را پیش نراند. [و در روایت دیگری است:] آن که گوهر خویشش از دست شود، بزرگی تبار وی را سود ندهد.» (ص ۴۳۱).

رعایت آهنگ عبارات و سجع کلمات

ترجمه استاد ترجمه‌ای آهنگین است، سخت تحت تأثیر آهنگ کلام حضرت، گاهی آهنگ او بیشتر و لحن ترجمه‌اش دل‌نشین‌تر می‌شود:

«و انجام کار چنانشان کرد که آنچه را شناختند، به کار بستند و از بند آنچه بر عهده‌شان نبود، رستند» (ص ۲۹۸).

«... روزی دو تاست؛ آن که آن را بجویی و آن که تو را جوید و اگر نزد آن نروی، راه به سوی تو پوید...» (ص ۳۰۶).

«کار دیگران سامان نگیرد تا کار خراج‌دهندگان سامان نپذیرد» (ص ۳۳۳).

«و بر سر هر یک از کارهای مهتری از آنان بگمار که نه بزرگی کار، او را ناتوان سازد و نه بسیاری آن وی را پریشان...» (ص ۳۳۴).

«آن که میان خود و خدا به صلاح دارد، خدا میان او و مردم به صلاح آرد» (ص ۳۷۴).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هنر استاد در آهنگین نمودن عبارات فارسی، بیشتر استفاده از سجع و موازنه است که لازمه کلام آهنگین است.

استفاده از نکات بلاغی و صنایع ادبی

شواهد فراوانی از نکات بلاغی و صنایع ادبی را می‌توان در ترجمه نهج البلاغه استاد شهیدی به دست آورد که قطعاً حجم مجموعه آنها از حد یک یا چند مقاله افزون است. برای نمونه، در ترجمه کلام

۵۴۰ «پرداخت» را به گونه جناس تام در دو معنی «توجه کردن» و «خالی کردن» به کار برده است:

«[و فرمود:] هیچ کس به لاغ نپرداخت، جز که اندکی از خرد خود پرداخت» (ص ۴۴۱).

از نکات دیگری که استاد مدنظر داشته و مکرر به کار برده است، سجع و موازنه است. چند نمونه از ترجمه کلمات قصار:

«ای پسر آدم، اندوه روز نیامدهات را بر روز آمدهات میفزا، که اگر فردا از عمر تو ماند، خدا روزی تو در آن رساند» (ص ۴۱۰).

«مردم فرزندان دنیابند و فرزندان را سرزنش نکنند که دوستدار مادر خود چرایند» (ص ۴۱۶).

«گدا فرستاده خداست. کسی که او را محروم دارد، خدا را محروم داشته و آن که بدو بخشد، خدا را سپاس و حرمت گذاشته» (ص ۴۱۷).

«هر چه بدان بسنده کردن توان، بس بود همان» (ص ۴۳۲).

«آنچه دیده بیند در دل نشیند» (ص ۴۳۴).

«مردم دشمن آنند که نمی‌دانند» (ص ۴۴۰).

«اندکی که دوام دارد، به از بسیاری که ملال آرد» (ص ۴۴۰).

«توانگری و درویشی آنگاه آشکار شود - که در قیامت - عرضه بر کردگار شود» (ص ۴۴۱).

امانت در ترجمه

از تأمل در ترجمه نهج البلاغه چنین برمی‌آید که دکتر شهیدی مقید بوده است تا همه کلمات را به فارسی بازگرداند و به نقل مضمون و محتوا بسنده نکند. پژوهش در این ترجمه نشان می‌دهد که به

خلاف بعضی دیگر از ترجمه‌های نهج البلاغه، هیچ کلمه‌ای از دید تیزبین و امانت‌دار مترجم دور نیفتاده و آنجا که ترجمه کلمه یا کلمات به فارسی برای انتقال معنا کافی به نظر نرسیده، مترجم با حروفی متفاوت، توضیحی را در لابه‌لای ترجمه خود گنجانده است تا حق مطلب را ادا کند و با ترجمه خود، چیزی از کلام علی (ع) را فرو نگذارد. مثلاً در ترجمه نامه سی و یکم که سفارش حضرت به فرزندش، امام حسن (ع) است، می‌توان امانت‌داری را به کمال دریافت؛ ضمن این که ترجمه از نظر کمی برابر با متن است و کاملاً رسا و گویاست؛ بر هیچ کلمه‌ای نمی‌توان انگشت نهاد که در ترجمه با نهایت استادی و مهارت، به فارسی بازگردانده نشده باشد. بخشی از نامه و ترجمه است:

«وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنْ أَحَبَّ مَا أَنْتَ أَجْذُ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ وَالْإِقْتِصَارُ عَلَيَّ مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَالْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ...».

«و بدان پسرکم، آنچه بیشتر دوست دارم از وصیتم به کار بندی، از خدا ترسیدن است و بر آنچه بر تو واجب داشته، بسنده کردن و رفتن به راهی که پدرانت پیمودند...» (ص ۲۹۸).

نمونه‌ای دیگر:

«مَا اسْتَوْدَعُ اللَّهُ امْرَأً عَقْلاً إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ بِهْ يَوْمًا».

«خدا خرد را نزد کسی به ودیعت نهاد، جز که روزی او را بدان نجات داد» (ص ۴۳۴).

و نمونه‌ای دیگر از دقت و امانت در ترجمه:

«الْجَلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ وَ قَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ».

«بردباری، پرده‌ای است پوشان و خرد، شمشیری است بران؛ پس نقصان‌های خلقت را با بردباری‌ات پوشان و با خرد خویش هوایت را بمیران» (ص ۴۳۷).

علاوه بر این ویژگی‌ها، رعایت اصول ترجمه که لازمه آن فهم درست متن اصلی و انتقال درست آن به زبان دوم است، و پرهیز از واژه‌های مهجور، با وجود محدودیت‌هایی که مترجم به مناسبت رعایت سجع و حفظ آهنگ کلام داشته، را هم باید متذکر شد.

از مزایای دیگر این ترجمه، تعلیقات استاد است که یکصد و سه صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده (۴۴۸ - ۵۵۱) و حاوی نکاتی است که قطعاً ثمره سال‌ها تحقیق و تفحص است. فهرست‌های پایانی کتاب، به‌ویژه فهرست موضوعی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار، از امتیازات دیگر این ترجمه گران‌سنگ است که کار را بر پژوهشگران علوم اسلامی و پژوهندگان نهج البلاغه آسان می‌کند.

منابع

- الشاطی، بنت. ۱۳۳۲. شیرزن کربلا یا زینب دختر علی (ع)، ترجمه سیدجعفر شهیدی. تهران: حافظ.
- حسین، طه. ۱۳۳۶. انقلاب بزرگ (جلد اول الفتنه الكبرى)، ترجمه سیدجعفر شهیدی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- خاتمی، احمد. ۱۳۸۰. فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه. تهران: سروش.
- شهیدی، سیدجعفر (مترجم). ۱۳۶۰. آواره بیابان ریژه (ابوذر غفاری نخستین انقلابی اسلام). تهران: نهضت زنان مسلمان.
- علی ابن ایطالاب [امام]. ۱۳۶۸. نهج البلاغه، ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی، چاپ بیستم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی